

فرهنگ ، ادبیات ، آزادی بیان و کرامت  
انسانی چیست؟؟؟

{ حرفهای ناگفته یی از وضعیت رسانه ها  
و آزادی بیان در جامعه افغانها در داخل  
و خارج از کشور }

بخش چهارم - تهیه و پژوهش ( زیر و اسکاری )



## نقش رسانهها در عصر جدید



( مؤسسه مطبوعات بین‌المللی در گزارش سالانه خود درباره آزادی مطبوعاتی نوشت که نود و سه خبرنگار در سال گذشته میلادی کشته شدند. بنابر آمارهای ارائه شده از سوی این مؤسسه، شمار خبرنگاران کشته شده پس از 2006 بیشترین تعداد در دهه اخیر است و آمار تلفات رسانه‌ای در آن سال نیز صد نفر گزارش شده بود.

پنجاه دو خبرنگار طی سال 2007 در عراق کشته شدند؛ در حالی که ... آسیا با نوزده کشته دومین منطقه مرگبار برای قشر رسانه‌ای به شمار می‌رود. همچنین پاکستان، فیلیپین، سریلانکا و افغانستان در رده‌های بعدی تلفات بالای خبرنگاران در سال 2007 قرار دارند. در گزارش سالانه این مؤسسه آمده است که نخستین ترور یک خبرنگار از سال 1993 در آمریکا اتفاق افتاد که در جریان آن مدیرمسئول روزنامه‌ای در اوکلند، ایالت کالیفرنیا، کشته شد. این گزارش می‌افزاید: «محدودیت‌ها

## بر آزادی مطبوعات هنوز در آفریقا و خاورمیانه اعمال می‌شود همچنان سانسور اخبار و اطلاعات در قاره آفریقا به اشکال گوناگون مانند حمله فیزیکی و شکنجه وجود دارد.»

سابقه اولین روابط اجتماعی به تشکیل نخستین تجمعات انسانی باز می‌گردد. انسان‌های نخستین برای ارتباط با هم‌گروهی‌های خود، از حرکات دست و صورت و اصوات خاص استفاده می‌نمودند. بعدها با افزایش نفوس انسانی و پیدایش گروه‌های متفاوت و قبایل متعدد، ارتباطات، گسترش پیدا نموده، به روابط بین‌گروه‌ها و قبایل منجر گردید. طی این روند تکاملی، تغییراتی هم در روند ارتباطات پدیدار گردید، به طوری که انسان‌های بعدی از رسم شکل‌های مختلف برای رساندن منظور خود به دیگران استفاده می‌نمودند. این روند تکاملی، ادامه پیدا نمود تا این که به پیدایش خط و زبان منجر گردید.

طی سال‌های متمادی، تنها نوشتن، شکل غالب روابط بین انسان‌ها، قبایل، ملت‌ها و دولت‌ها بود. سلاطین، بزرگان، دانشمندان و نظریه‌پردازان، برای بیان نظرات خود از نوشتن سود می‌جستند و نامه‌نگاری و نوشتن کتاب، بهترین راه رساندن مطالب به مخاطبان به شمار می‌رفت؛ اما در چند قرن اخیر با پیشرفت علم و دانش بشری، شکل‌های تازه‌ای از وسائل ارتباطی و اطلاعاتی مانند: تلگراف، تلفون، رادیو، تلویزیون، سینما، کمره‌های عکاسی و فیلمبرداری، ماهواره، تلویزیون کیبلی، کامپیوتر و اینترنت به وجود آمدند که نسبت به صنعت چاپ، سریع‌تر و دقیق‌تر و مطمئن‌تر عمل می‌کردند. در سال‌های اخیر نیز اختراع کامپیوتر و به تبع آن، پیدایش شبکه جهانی اینترنت، انقلابی را در زمینه تبادل اطلاعات به وجود آورده که جهان را در آستانه شکل‌گیری نوع تازه‌ای از رسانه‌های ارتباطی به نام «رسانه‌های متعامل» قرار داده است.

سال‌های متمادی‌ای است که رادیو و تلویزیون، دنیای رسانه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. فیلم، گزارش، مصاحبه، مستند، مسابقه، سرگرمی و... برنامه‌هایی هستند که میلیاردها انسان را در سراسر کره زمین به خود جذب نموده‌اند؛ اما آیا تا به حال از خود پرسیده‌اید که ساختار این برنامه‌ها و به طور کلی، رسانه‌های جمعی رادیو و تلویزیون به چه شکلی است؟ به طور خلاصه می‌توان ساختار رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون را به چهار قسمت تقسیم نمود:

- پیام، - فرستنده پیام - وسیله انتقال پیام - گیرنده پیام.

این چهار عنصر، رابطه‌ای یک سویه را تشکیل می‌دهند، بدین ترتیب که برنامه‌ها (پیام‌ها) توسط یک موقعیت متمرکز (فرستنده پیام) آماده می‌شود و از طریق وسائل ارتباطات جمعی (رادیو و تلویزیون) به سمع و نظر مخاطبان (گیرنده پیام) می‌رسد. در این نوع از رابطه، گیرنده پیام، هیچ نوع دخالتی در انتخاب پیام دریافتی ندارد و پیام منتشر شده به نوعی به صورت تک گفتار (monolog) و تا حدی غیر دموکراتیک (غیر انتخابی) است. به این نوع ساختار، نظام پخش از بالا به پایین (عمودی) اطلاق می‌گردد.

اما در ساختار رسانه‌های مبتنی بر کامپیوتر و اینترنت - که برای جهان آینده پیش‌بینی می‌شود (رسانه‌های متعامل) - نظام پخش، از حالت عمودی به افقی تغییر پیدا خواهد نمود، به طوری که هر فرستنده می‌تواند به عنوان «گیرنده پیام» و هر گیرنده نیز با خارج شدن از حالت انفعالی و تماشاگر صرف بودن، به عنوان «فرستنده پیام» ایفای نقش نماید؛ چرا که برخلاف تلویزیون، کامپیوتر، نه تنها قادر به دریافت علائم است، بلکه می‌تواند علائم را ارسال نیز کند.

در عصر ارتباطات، هر کس با استفاده از یک کامپیوتر و یک خط تماس با اینترنت می‌تواند به یک یا هزاران و یا میلیون‌ها مخاطبی که تا دیروز فقط غول‌های رسانه‌ای به آنها دسترسی داشتند، دست یابد. تصور کنید که هر فرد و یا خانواده، به صورت بالقوه تبدیل به یک عامل پخش تلویزیونی شود و این در حالی است که همان فرد و یا خانواده، تماشاگر برنامه‌های تولیدی دیگران نیز خواهد بود. بنابراین اگر تا به حال از انبوه مخاطبان سخن به میان می‌آمد، از این پس باید از ارتباط گران سخن گفت.

در چنین شرایطی پیام منتشر شده از حالت تک گفتاری به حالت چند گفتاری (dialog) تغییر می‌یابد، به صورتی که هر کسی حرفی برای گفتن داشته باشد، خواهد توانست از این طریق، پیامش را به طیف وسیعی از مخاطبان برساند؛ اما در نظام رسانه‌ای رادیو و تلویزیون، چنین شخصی ممکن است به دلیل نداشتن قدرت اجتماعی کافی، حتی فرصت بیان یک کلمه از سخنان خود را نیز پیدا ننماید. جهت داده شده در رادیو و تلویزیون از توضیحات بالا چنین بر می‌آید که دنیای رسانه‌ای آینده، متشکل از انبوهی از برنامه‌های گوناگون، مطابق با سلیقه‌های متفاوت خواهد بود. به طوری که به جای آن که شبکه‌ها تعیین کنند که بینندگان چه چیزی را ببینند، بینندگان خواهند توانست دقیقاً آنچه را خود می‌خواهند تماشا کنند و در حقیقت، مخاطبان می‌توانند محتوای برنامه‌ها را فردی نمایند.

یکی دیگر از ویژگی‌های رسانه‌های متعامل، مجازی و غیر فیزیکی بودن ارتباطات آن است. با پیشرفت سرسام‌آور علم و تکنولوژی در زمینه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، بشر به مرحله‌ای خواهد رسید که از طریق رسانه‌های متعامل خواهد توانست به نیابت از وضعیت‌های واقعی زندگی، در یک شیوه الکترونیکی مشارکت جوید. برای مثال تصور نمایید که به جای صفحه دو بعدی تلویزیون می‌توان خود را در فضایی سه بعدی قرار داد، در آن واحد، به مناطق دیدنی جهان سفر کرد و قدم‌زنان از مناظر زیبای آن مناطق بازدید نمود و لذت برد. یا این که بتوان پایان یک فیلم داستانی را به انتخاب خود تعیین نمود و یا حتی تمامی اطلاعات آرشیف موجود مربوط به یک خبر را در آن واحد در اختیار داشت. بعضی‌ها پا را از این هم فراتر گذاشته و پیش‌بینی نموده‌اند که در عصر مجازی، مخاطب خواهد توانست به صورت مجازی در ساحل دریا شنا نموده، تر شود و اگر کسی سرش را زیر آب نگه دارد، خفه شود.

بدین ترتیب واژه‌هایی نظیر: تخیل، قدرت، انتخاب، آزادی، و تشبیهاتی مانند: سفر دلپذیر، پرواز بلند و سرعت از اصطلاحاتی خواهند بود که در دنیای رسانه‌های متعامل بسیار، کاربرد دارند. هر چند که تمامی این گفته‌ها صرفاً در حد نظریه بوده و رسانه‌های متعامل هنوز مراحل آزمایشی و تکاملی خود را می‌گذرانند، اما چنان هم دور از نظر نیست که روزی چنین شرایطی جنبه عمومی پیدا نماید.

هنگامی که سخن از رسانه‌ها و ارتباطات متعامل به میان می‌آید، اولین نکته‌ای که ذهن شنونده را به خود جلب می‌کند، این است که نحوه شکل‌گیری و ویژگی‌های این نوع رسانه‌ها چگونه خواهد بود. به طور عموم، مؤلفه‌های به وجود آورنده یک رسانه متعامل از دو جزء سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تشکیل می‌شوند که سخت‌افزارها نیز خود، به دو دسته جزء و کلان، طبقه‌بندی می‌گردند. به طوری که هر نهاد، تشکیلات و یا شخصیت حقیقی و حقوقی با در اختیار داشتن این عناصر می‌تواند یک ارتباط دو سویه برقرار سازد.

با در نظر داشت به مطالب فوق می‌توان ویژگی‌های زیر را برای رسانه‌های متعامل در نظر گرفت:

- سرعت بسیار بالا در انتقال اطلاعات.  
- امنیت انتقال داده‌ها توسط فیبرهای نوری نسبت به امواج هوایی.  
- مصرف بسیار کم برای ارتباط گران (البته ناگفته نماند که مصرف راه اندازی چنین شبکه‌هایی بالغ بر میلیاردها دالر خواهد بود؛ (اما استفاده کنندگان می‌توانند با پرداخت مصارف اندک از این امکانات نامحدود به آسانی استفاده نمایند).

- امکان تبدیل هر مخاطب به یک استودیوی سیار پخش تلویزیونی.  
- امکان انتخاب گسترده و دسترسی به منابع وسیعی از اطلاعات، سرگرمی‌ها و خدمات ارتباطی به صورت اختصاصی.

- امکان تجربه واقعیت‌های دور از دسترس با استفاده از فضای مجازی و فائق آمدن بر موانع زمان و مکان.  
- تمرکززدایی پخش اخبار و اطلاعات از منابع قدرت و امکان برقراری موقعیت‌های برابر برای تمام افراد جامعه.  
- تعامل بین فرهنگ‌ها از طریق ارتباط دو سویه و مستقیم بین ارتباط گران.  
- تنوع و انعطاف پذیری در انتخاب و نحوه نمایش برنامه‌ها و حتی هویت فردی افراد.  
- قابلیت ثبت ارتباطات.  
- تقویت روحیه فرد گرایی.

بسیاری از مردم بر این عقیده‌اند که با ورود اینترنت، انقلابی در زمینه آزادی اطلاعات در جهان به وجود آمده است؛ چرا که تا قبل از پیدایش اینترنت، رسانه‌های جمعی اقدام به دستچین نمودن پیام‌ها و کنترل کیفیت آنها می‌نمودند و در واقع نظریه‌ها و عقاید (مخصوصاً در حوزه سیاست)، به طور ناقص از طریق رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها به مردم منتقل می‌گردیدند؛ اما با ورود تکنالوژی‌های جدید ارتباطی، کاربران توانستند نظرات و عقاید نویسندگان را بدون واسطه و بدون مستقیم از جانب خود آنها دریافت نمایند. اما آیا واقعا می‌توان به بهانه آزادی اطلاعات هر مطلبی را در شبکه رسانه‌های متعامل منتشر نمود؟

در تعریف آزادی اطلاعات چنین آمده است: «آزادی اطلاعات، یک حق بنیادین بشر و سنگ بنای تمام آزادی‌هاست که به طور ضمنی در برگزیده حق گردآوری، ارسال و انتشار اخبار در هر جا و توسط هر کس و بدون هیچ مانعی نیز هست» (قطع‌نامه 59/1 مصوب 1946 مجمع عمومی سازمان ملل متحد).

بنا بر این تعریف، می‌توان آزادی بیان را هم جزئی از آزادی اطلاعات به حساب آورد که در بین تمام حقوق بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که وسیله‌ای است برای احقاق سایر حقوق انسان.

از این رو آزادی بیان را جزئی از نسل اول حقوق بشر و به عبارتی، آن دسته از حقوق بشر که حقوق طبیعی محسوب می‌شوند، به حساب می‌آورند و از طرفی، حق آزادی بیان را جزو حقوق نسبی بشر (حقوقی که مطلق نبوده و محدودیت پذیرند و نه تنها در شرایط استثنایی، که در شرایط عادی هم می‌توانند محدود گردند) نیز به شمار آورده‌اند. بنابراین می‌توان گفت با این که آزادی بیان یکی از ستون‌های جوامع دموکراتیک به شمار می‌رود، در عین حال، محدودیت پذیر نیز هست؛ چرا که جامعه دموکراتیک، در کنار آزادی بیان، به ارزش‌های دیگری نیز معتقد و پایبند است و نمی‌پذیرد که استفاده از آزادی یاد شده، به قیمت از میان رفتن این ارزش‌ها تمام شود. در واقع، استفاده از آزادی بیان، تا آن جا مجاز است که بین دیگر حقوق اساسی بشر، مانند:

حفظ حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی، نظم، اخلاق و بهداشت عمومی و... و حق آزادی بیان، تعادل ایجاد شود. از مطالب فوق چنین بر می‌آید که همان طور که جریان آزادی اطلاعات در رسانه‌های متعامل می‌تواند به رشد، توسعه و بالندگی جامعه و نیز به تکامل انسان منجر شود، به همان نسبت نیز می‌تواند موجب تخریب شخصیت انسان، از بین رفتن نظم، اخلاق و بهداشت عمومی شود و کرامت ذاتی انسان را زیر سؤال ببرد.

لذا جامعه شناسان و حقوق‌دانان در تلاش‌اند تا ضمن حفظ دستاوردهای آزادی اطلاعات در رسانه‌های متعامل، با استفاده از ابزار و روش‌های مختلف از بروز مفاسد بشری در این زمینه جلوگیری نمایند.

بنابراین، نظارت بر محتوای برنامه‌ها و مطالب ارائه شده در شبکه ارتباط متعامل، اصلی است که در جامعه جهانی امروز پذیرفته شده است و حتی کشورهایی که داعیه آزادی اطلاعات را سر می‌دهند نیز با استفاده از روش‌های مختلف بر محتوای رسانه‌های تعاملی نظارت می‌کنند و در مواردی آنها را سانسور کرده یا حتی از بین می‌برند. برای

نظارت بر اصل آزادی اطلاعات، روش‌های زیادی وجود دارد که در خصوص برنامه‌های غیر قانونی، راه کارهای اجرایی شامل: وضع مقررات، اعلامیه‌ها و برچسب‌های هشدار دهنده است و در مورد برنامه‌های مضر و با محتوای زیان‌آور، فیلترگذاری به عنوان بهترین روش، مطرح شده است. نتیجه این که ضرورت محدود کردن آزادی اطلاعات در رسانه‌های متعامل باید حتماً به اثبات برسد و به عبارت دیگر تا ضرورت وجود نداشته باشد، نباید آزادی بیان را محدود کرد.

آزادی رسانه‌ها در اروپا از گزارشگران بدون مرز: وجود آزادی مطبوعات در اتحادیه اروپا یک واقعیت است. هیچ روزنامه‌نگاری به دستور دولتی به قتل نرسیده و یا زندانی نشده است. سانسور رسمی وجود ندارد. رسانه‌ها عقاید متفاوت را منعکس و کثرات گرایي در عقیده به شکل عمومی تضمین شده است. با این حال نگرانی‌هایی وجود دارد. امروز اقداماتی چون تهدیدات آشکار علیه روزنامه‌نگاران، سوقصد به جان آنها از سوی گروه‌های خصوصی، تهدید خانواده و ... در کشورهای اروپایی و در برخی مناطق با ویژگی نگران‌کننده‌ای وجود دارند. در فرانسه روزنامه‌نگاران به هنگام پوشش خبری رویدادهای اطراف پاریس در معرض تهدید فیزیکی قرار می‌گیرند. پس از شورش‌های سال ۲۰۰۵ به ویژه در اطراف پاریس وضعیت نگران‌کننده‌تر شده است. در طی دو سال و نیم ده‌ها عکاس، فیلم‌بردار و گزارشگر مورد تعرض قرار گرفته‌اند. آخرین بار در سال گذشته بن‌دیک اگودستاه، خبرنگار روزنامه پاریزین در منطقه ویله لو بل (Villiers-le-Bel) مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از آن تاریخ تا امروز توانسته است به محل کار خود بازگردد.

مورد روبرت رد کر نیز قابل تامل است. وی در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ در روزنامه فیگارو مقاله‌ای با نام "در برابر ایجاد رعب اسلامیست‌ها، جهان آزاد چه باید کند" منتشر کرد. این شماره روزنامه در مصر و تونس توقیف شدند. بعد از تهدید شدن به مرگ روبرت ردکر مجبور به فروش خانه و ترک فعالیت‌های زندگی تحت حفاظت پولیس شد. در آغاز سال میلادی ۲۰۰۷ در لیبی جوان مراکشی بازداشت شد و اعتراف کرد که یکی از عوامل تهدید این معلم فرانسوی بر روی سایتی اسلامی بوده است.

یکی دیگر از عوامل تهدید به مرگ در ماه می در فرانسه محاکمه می‌شود. در حالیکه روبرت ردکر تحت حفاظت پولیس زندگی می‌کند و حتا برای سفر به خارج از کشور نیز از سوی پولیس اسکورت می‌شود. وی به گزارشگران بدون مرز اعلام کرده است که - که تهدید بر روی سایت‌های اینترنتی به شکل مرتب به روز می‌شوند، این امر از ویژگی‌های این رسانه است، ولی تهدید علیه من از طریق ارسال ای میل هم انجام گرفته است. در ایتالیا تهدید روزنامه‌نگاران از سوی مافیا انجام می‌شود، سازمان‌هایی همچون: کامورا در ناپل، نارانگتا در کالابری، کوزا نسترا در سیسیل و ... در جنوب کشور فعال هستند. در مجموع ده‌ها روزنامه‌نگار در پی تهدید باند‌های جنایتکار، تحت حفاظت پولیس زندگی و کار می‌کنند. آمار نامه‌های تهدید آمیز، تعرض به موتر و منازل و تهدید خانواده‌ها از مرز صدها مورد گذشت است. همه روزنامه‌نگارانی که در باره فعالیت‌های مافیا کار می‌کنند هر کدام به نوعی تهدید شده‌اند.

لیرو آبات گزارشگر ۳۸ ساله خبرگزاری ANSA در پالرم سیسیل که تحت حفاظت پولیس قرار دارد، معتقد است روزنامه‌نگاران هر روز بیشتر از پیش در معرض خطر قرار می‌گیرند. وی می‌گوید از ده پانزده سال پیش رهبران مافیا تغییر کرده‌اند، آنها دیگر نه آن مردان بی‌فرهنگ گذشته که داکتر و یا سیاستمدار و با تحصیلات عالی هستند. آنها می‌دانند خبر اهمیت دارد و باید آن را دستکاری کرد، خشونت یک بخش از اعمال فشار است. روزنامه‌نگاران می‌توانند خریده شوند و یا به فساد کشیده شوند. در اسپانیا و در ایالت باسک سال‌هاست که روزنامه‌نگاران از سوی سازمان او ت آ (Euskadi Ta Askatasuna- ETA) مورد تهدید قرار می‌گیرند. لاندای پرورو مدیر گامیبو می‌گوید فشارها از سال ۲۰۰۰ به این سو به ویژه با به قتل رساندن روزنامه‌نگاران تشدید شده است. جوزه لونیو لویز دو لاکال روزنامه‌نگار ال موندو با فیر چندین گلوله بر پیکرش در همین دوران به قتل رسید، سال بعد من هم هدف سوقصد قرار گرفته و در پی منفجر شدن یک بسته پستی شدیداً زخمی شدم، چند تا از انگشتان و دید چشم چپم را از دست دادم.

یکی از روزنامه‌نگاران ال پایس که خواهان فاش شدن هویت اش نیست می‌گوید سالهای اخیر دشوار بودند، مشکل به روی هم جمع شدن خشونت در فضای سرد و منقبضی است که کار ما را با دشواری روبرو می‌کند. سال‌هاست که این اوضاع ادامه دارد، من دیگر خسته شده‌ام. در ایرلند شمالی علیرغم پیشرفت روند صلح در طی سالهای اخیر و تشکیل دولتی ائتلافی محلی در سال ۲۰۰۷ اما هنوز تعدادی از روزنامه‌نگاران تهدید به مرگ می‌شوند. این تهدیدات عمدتاً از سوی گروه‌های نزدیک به جنبش‌های پروتستان هوادار اتحاد با بریتانیا، انجام می‌گیرد. یکی از این گروه‌ها از بازماندگان افراد مسلح وحدت طلب (I'Ulster Defence Association) است که در کار قاچاق مواد مخدر و باج‌گیری نیز دست دارد.

از سوی دیگر گروه‌های انشعابی ارتش آزادیبخش ایرلند نیز (IRA) در پی پذیرش روند صلح سلاح‌های خود را تحویل داد. روزنامه‌نگاران را تهدید می‌کند. روزنامه‌نگارانی که در محل کار می‌کنند می‌گویند حفاظت پولیس و دولت از روزنامه‌نگاران بسیار ناچیز و تقریباً هیچ است. عاملان قتل روزنامه‌نگار مارتین اوهاگن تا کنون دستگیر نشده‌اند. در سپتامبر ۲۰۰۷ با دکنکی که پیامی به آن آویخته شده بود برای دفتر تلویزیون بلفاست ارسال شد. در این پیام آدرس محل زندگی و شماره موتر روبین لیونگستون مدیرمسوول روزنامه آندرسون استون نیوز روزنامه

محلی که عمدتاً کاتولیک های ناسیونالیست و جمهوری خواه خوانده آن هستند، نوشته شده بود. این روزنامه نگار قسم یاد کرده است که به انتشار گزارش هایش ادامه دهد، اما اعتراف می کند که این تهدیدات تأثیری مخرب بر فضای آزادی مطبوعات نهداده است.

در دانمارک در ۸ فبروری ۲۰۰۸ ماموران امنیتی طرح ترور کورد وسترگارد یکی از کاریکاتوریست های ( پیامبر اسلام) را نافرجام گذاشتند. این روزنامه نگار ۷۳ ساله تحت حفاظت پولیس مخفی دانمارک زندگی می کند و مجبور است هر دو هفته یکبار خانه اش را عوض کند.

اما وی همچنان به کارش برای نشریه «یولاند پستن» ادامه می دهد. در سالهای اخیر موارد زیادی از اعمال خشونت علیه روزنامه نگاران در کشورهای سوئدن، بلغاریا، رومانیا، پولند، چک و قبرس شمارش شده اند. تقریباً غیر ممکن است که آمار کامل از اعمال خشونت علیه روزنامه نگاران ارائه داد، اما می توان از صدها مورد تهدیدات جدی، تهاجم و ضرب و شتم نام برد.

از هفت سال پیش گزارشگران بدون مرز لیست دشمنان آزادی مطبوعات در جهان را هر ساله به منتشر می کند. این مردان و زنان که بصورت مستقیم و یا به وسیله دیگران، روزنامه نگاران را تهدید و سرکوب می کنند، معمولاً در رده های بالای قدرت قرار دارند رئیس جمهور؛ نخست وزیر، وزیر و شاه و یا ولی فقیه و یا فرمانده و رئیس گروه های چریکهای شورشی و یا رهبر سازمان های تبهکاری هستند. دشمنان مطبوعات چهره و نام و نشانی دارند، این درندگان آزادی مطبوعات از قدرت خود برای زندانی، شکنجه کردن، ربودن و یا حتا به قتل رساندن روزنامه نگاران و استفاده می کنند. عموماً موقعیت و مقام آنها عاملی برای مصون ماندن شان از مجازات است و برای مسوولیتی که در نقض حقوق بشر دارند معمولاً هیچگاه محاکمه نمی شوند. ( همچون افغانستان ) گزارشگران بدون مرز از سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفته است که هر ساله چهره ی این دشمنان آزادی مطبوعات را آشکار و آنها را به همگان معرفی کند.

در سال ۲۰۰۸ دشمنان آزادی مطبوعات ۳۹ تن هستند. از لیست سال گذشته ۵ نفر حذف شده اند. فیدل کاسترو که رسماً قدرت را به برادر خود رانول کاسترو واگذار کرد. پرویز مشرف که با شکست در انتخابات عملاً قدرت سرکوب مطبوعات را نیز از دست داد. در ایتوپی با آزادی روزنامه نگاران زندانی مسلسل زناوای از لیست کنار گذاشته شد، امری که برای شاه سوازی لند نیز اتفاق افتاد وی نیز در چند سال گذشته دیگر مسنول نقض آزادی مطبوعات نیست. و در آخر شارل بله کوده رهبر جوانان میهن پرست ساحل عاج که از صدور دستور حمله به روزنامه نگاران خارجی و یا نزدیک به مخالفان حکومت، دست برداشته است.

اما به لیست امسال ده تن دیگر اضافه شده اند. در سرزمین های خودمختار فلسطین شاخه نظامی حماس در غزه و نیروی امنیتی حکومت خودمختار در کناره رود اردن برای سرکوب و متهم کردن روزنامه نگاران به حمایت از طرف مقابل و نقض خشونت بار آزادی مطبوعات، و اردوی اسرائیل نیز به دلیل تهاجم به روزنامه نگاران به هنگام تحت پوشش خبری قرار دادن حملات به سرزمین های خودمختار فلسطین به لیست اضافه شده اند. در اپریل ۲۰۰۸ خبرنگار فلسطینی خبرگزاری رویترز با فیر تانک اسرائیلی کشته شد.

رئیس جمهور ترکمنستان قربانقلی بردی محمداف که از یکسال پیش قدرت را در دست گرفته است به وعده های خود برای اصلاحات دموکراتیک عمل نکرد. رسانه ها همچنان تحت کنترل دولت قرار دارند و زندانیان عقیدتی از زندان آزاد نشدند. در سومالی دشمنان آزادی مطبوعات بی شمارند در لیست سال ۲۰۰۸ گزارشگران بدون مرز گروه مسلح ال شباب، محمد دهری فرماندار و شهردار موگادیشو و ورسامی درویش فرمانده نهاد امنیت ملی اضافه شده اند. در سریلانکا گوتابها راجاپاکس برادر رئیس جمهور و وزیر دفاع که به شکل منظم دستور حمله به مطبوعات را صادر می کند و در شمال رهبر بیر های تاملیل ولو پیلا پارابهاکاران که همچنان به تهدید روزنامه نگاران ادامه می دهد به لیست سال ۲۰۰۸ پیوسته اند.

در نپال با آنکه آرامش سیاسی بازگشته است اما چند گروه مسلح افراطی جنوب کشور را به جهمی برای روزنامه نگاران تبدیل کرده اند.

سازمان غیردولتی «خانه آزادی - Freedom House»، در گزارش سالانه خود اعلام کرد که آزادی مطبوعات در جهان در سال ۲۰۰۷ میلادی، همچنان روند نزولی داشته است. «خانه آزادی»، از جمله سازمان های غیردولتی آمریکایی است که برای «دموکراسی، حقوق بشر و آزادی های سیاسی» فعالیت می کند و عمده بودجه این سازمان از سوی دولت آمریکا تامین می شود. این سازمان گزارش اخیر خود را در روز جهانی آزادی مطبوعات منتشر کرده است. در گزارش امسال این سازمان که در واشنگتن مستقر است، از میزان خشونت در برخی کشورها علیه دست اندرکاران مطبوعات ابراز نگرانی شده است.

«خانه آزادی» با اشاره به اینکه عراق و سومالی همچنان خطرناکترین کشورها برای خبرنگاران به شمار میروند نسبت به خشونتها علیه مطبوعات در کشورهای مکزیک، روسیه، فیلیپین، سریلانکا و پاکستان ابراز نگرانی کرده است. این گزارش همچنین به پیشرفت هایی در عرصه اینترنت و وبلاگ ها در خاورمیانه، به ویژه در ایران و شمال آفریقا اشاره کرده است. کارلین کارلکار Karlin Karlekar، پژوهشگر ارشد «خانه آزادی» به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت که در سال های گذشته، سرکوب های مکرری علیه مطبوعات صورت گرفته است و وضعیت ایران در این خصوص در پایین ترین سطح قرار دارد. وی با این حال تاکید کرده است که به خاطر وجود ابزارهای

انتشار نظرات مانند اینترنت و وبلاگ ها، ایران در میان کشورهای قرار نگرفته است که از حیث آزادی مطبوعات دارای بدترین شرایط هستند.

گزارش سالانه «خانه آزادی» بدترین کشورها از نظر آزادی رسانه ای را کوریای شمالی و میانمار یا برما معرفی کرده است. کوبا، لیبی، ترکمنستان، ازبکستان، افغانستان، بلاروس، زیمبابوه و گینه استوایی نیز از نظر آزادی مطبوعات در بدترین وضعیت ارزیابی شده اند. جنیفر ویندسور **Jennifer Windsor**، مدیر اجرایی «خانه آزادی» در اطلاعیه ای که همراه گزارش سالانه این سازمان انتشار یافته نوشته است:

«در برابر هر گام رو به جلویی که سال گذشته در راه آزادی مطبوعات برداشته شده، دو گام به عقب وجود داشته است.» در گزارش سالانه «خانه آزادی» وضعیت آزادی رسانه ای در ۱۹۵ کشور و منطقه بررسی شده است و از آن میان، ۷۲ کشور از نظر چگونگی کارکرد رسانه ها و خبرنگاران، «آزاد»، ۵۹ کشور، «به طور جنبی آزاد» و ۶۴ کشور، «بی بهره از آزادی رسانه ای» ارزیابی شده اند. سازمان «خانه آزادی» که در سال ۱۹۴۱ میلادی کار خود را آغاز کرد از سال ۱۹۸۰ میلادی هر سال وضعیت آزادی رسانه ها و خبرنگاران در جهان را ارزیابی می کند و گزارش می دهد.